

Survey of Character and Characterization in Short Stories of Goli Taraghi

Nosrat Naseri Mashhad¹, Saedeh Safari Kang²

بررسی ارتباطات غیرکلامی در

شخصیت‌پردازی داستان پدر

نصرت ناصری مشهدی^۱، سعیده صفری کنگ^۲

Abstract

in art of story writing character has been introduced as one of the most basis elements of story. writers use direct and indirect methods in order to create story characters, that actions in sub category of indirect characterization, also includes un verbal behaviors. Goli Taraghi is one of the first women of the storyteller in Iran, who was able to establish her own style in the field of works based on a strong personalization and the appearance of their mentalities and their internalities. In this article, how to characterize the person by connecting the characters of the story using non-verbal behaviors that involves voluntary and non-verbal behaviors, based on the story of the father of the flower of the progression, has been studied and carefully considered. This study has shown that three different types of communication - flow, process, and transaction processing - can be distinguished through non-verbal behaviors among story characters that have played a significant role in the creation of characters, revealing their mood and emotions. In addition, non-verbal behaviors have a significant contribution to explaining the type of relationship between the characters and their relationship with the audience.

Keywords: Character, Nonverbal Relations, Flow, Process, Trans Actional.

چکیده

نویسندگان برای آفرینش شخصیت‌های داستانی خود از شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم استفاده کرده‌اند که نمایش رفتارها در زیرمجموعه شخصیت‌پردازی غیرمستقیم، رفتارهای غیرکلامی را نیز دربر می‌گیرد. گلی ترقی از اولین بانوان داستان‌نویس در ایران است که توانست با خلق آثار خود، سبک و شیوه خاصش را در زمینه آثاری که مبتنی بر شخصیت‌پردازی قوی و بروز ذهنیات و درونیات آنهاست، تثبیت کند. در این مقاله چگونگی شخصیت‌پردازی از طریق برقراری ارتباط شخصیت‌های داستان با استفاده از رفتارهای غیرکلامی که شامل رفتارهای ارادی و غیرارادی است، بر اساس داستان پدر از گلی ترقی مورد بررسی و دقت نظر قرار گرفته است. این بررسی نشان داده که سه گونه متفاوت ارتباط، یعنی جریان، فراگرد و فراگرد تراکنشی - از طریق رفتارهای غیرکلامی میان شخصیت‌های داستان قابل تشخیص است که نقش مؤثری در آفرینش شخصیت‌ها، آشکار کردن خلق و خو و احساسات آنها ایفا کرده است. علاوه بر این، رفتارهای غیر کلامی در تبیین نوع ارتباط بین شخصیت‌ها و برقراری ارتباط آنها با مخاطب، سهم بسزایی دارد.

کلیدواژه‌ها: داستان، شخصیت، ارتباطات غیرکلامی، جریان، فراگرد و فراگرد تراکنشی.

1. Assistant Professor of Persian Literature and Language at Payame Nour University of Mashhad.
2. M.A. of Persian Literature and Language at Payame Nour University of Mashhad.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور مشهد (نویسنده مسئول).
n.naseri@pnu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور مشهد.

مقدمه

داستان پدر، از مجموعه داستان‌های خاطرات پراکنده نوشته گلی ترقی است. ترقی این داستان را در مجموعه داستان دو دنیا بازنویسی کرده، اما این بازنویسی چیزی از ارزش نوشته قبلی کم نکرده است. در این پژوهش به دلیل پرداختن بیشتر به جزئیات در مجموعه دو دنیا، داستان پدر از این مجموعه انتخاب شده است.

گلی فرزند لطف‌الله ترقی، اهل قلم برجسته و صاحب امتیاز مجله «ترقی» است. وی در تهران به دنیا آمد و دارای چند مجموعه داستان کوتاه به نام‌های خاطرات پراکنده، دو دنیا، من هم چه گوارا هستم و جایی دیگر و رمان‌های بازگشت، عادت‌های آقای الف، دریایی کاکل زری و خواب زمستانی است.

بیشتر داستان‌های گلی ترقی به صورت خاطره-نویسی است و معمولاً برای شخصیت‌های داستانش از افراد واقعی الگو می‌گیرد. ابزاری که ترقی برای معرفی شخصیت‌ها از آن بیشترین بهره را برده، توصیف شخصیت‌ها با نشان دادن ارتباط آنها از طریق رفتارهای غیرکلامی است. او با این روش، شخصیت‌های پویایی را خلق می‌کند که مخاطب به راحتی با خلیات آنها آشنا می‌شود.

همان‌طور که زندگی اجتماعی، صحنه تجلی انواع ارتباطات و تعاملات اجتماعی میان افراد است، داستان هم، زمانی موفق و باورپذیر است که بازتابی از این ارتباطات و تعاملات باشد. همچنین، داستان وقتی در ذهن خواننده ماندگارتر می‌شود که شخصیت‌ها خود وارد عمل شوند و داستان را شکل دهند. «هنگامی که افراد به تعامل اجتماعی می‌پردازند، تعداد بی‌شماری، علائم غیرکلامی ردوبدل می‌شود،

کلیه این رفتارهای غیرکلامی، نظیر برخورد نگاه، پیام‌های قوی ارسال می‌کنند و از نظر هیجانی حس علاقه، اعتماد و میل بر تداوم ارتباط را در کنار احساس تنفر و بی‌علاقگی انتقال می‌دهند» (صلیبی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

هنگام برقراری ارتباط بین افراد، هرگاه که کلام و علائم غیرکلامی در ارسال پیام دارای تناقض باشند، کنشگران در صحنه، آنچه را به کلام بیان شده، نادیده گرفته و بر روی ارتباطات غیرکلامی تمرکز می‌کنند. بنابراین، نویسنده داستان کوتاه که فرصت کمتری برای بیان داستان دارد، می‌تواند استفاده از چنین ابزاری را جانشین روایت جزئیات کند و با تکیه بر ارتباطات غیرکلامی شخصیت را چنان که مایل است معرفی کند و مخاطب را به سمت و سوی دلخواه سوق دهد.

در این پژوهش تلاش شده رفتارهای غیرکلامی در سه حوزه (یا سه تقسیم‌بندی) ارتباط «جریان»، «فراگرد» و «فراگرد تراکنشی» براساس داستان پدر از گلی ترقی مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که این نویسنده برای بروز احساسات درونی، حالات روحی و ارتباطات متقابل بین شخصیت‌های داستان چگونه عمل کرده است.

خلاصه داستان

در این خانواده پدر حرف آخر را می‌زند، هر کس سرپیچی کند، جریمه می‌شود. پدر محکم و قوی همه خانواده را رهبری می‌کند. او یک معلم زبان انگلیسی هندی به خانه می‌آورد. مستر غزنی، معلم زبان، عضوی از خانواده می‌شود و هفته‌ای یک بار برای دیدن خانواده خود می‌رود. آخرین بار که می‌رود، سر

«متخصصان علم ارتباط می‌گویند ۹۳ درصد ارتباط میان فردی را زبان بدن تشکیل می‌دهد. بنابراین، تنها ۷ درصد از پیام‌های ما از طریق واژه‌ها منتقل می‌شود و ۳۳ درصد از طریق لحن و تن صدا و ۶۰ درصد آن هم از طریق زبان بدن منتقل می‌شود» (کریمی، ۱۳۹۰: ۹). اکثر محققان عقیده دارند که زبان گفتاری بیشتر برای تبادل اطلاعات استفاده می‌شود؛ در حالی که زبان غیرکلامی، ارتباط بین انسان‌ها را برقرار می‌سازد و گاهی هم جانشین برای اطلاع‌رسانی شفاهی است. برای مثال یک زن می‌تواند به یک مرد نگاهی بیندازد و با آن پیامی قابل درک ارسال کند، بدون اینکه کلامی گفته باشد» (پیس، ۱۳۸۶: ۱۵). پیام‌هایی که توسط اعضای بدن و حرکات صورت منتقل می‌شود، زبان بدن و ارتباط غیرکلامی را تشکیل می‌دهند. زبان بدن گویای وضعیت درونی فرد است. برای مثال می‌تواند خشم، خستگی، آرامش، بهت و ... را نشان دهد.

۱. جریان^۱

کری فلکید در یکی از آثار خود از اصطلاح کنش استفاده می‌کند و وقوع ارتباط را گاه به صورت یک فراگرد یک‌طرفه می‌داند. استیو دام نیز از این اصطلاح استفاده کرده و می‌گوید وقتی ارتباط را به مثابه کنش تصور کنیم، فرستنده‌ای دیده می‌شود که پیامی را می‌فرستد، چه دریافت شود و چه نشود. گذاشتن پیامی درون یک بطری و انداختن آن در دریا مثال واضحی از ارتباط به مثابه کنش است. این فراگرد یک‌طرفه را می‌توان «جریان» نامید (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۳۱).

وقت بر نمی‌گردد و وقتی می‌آید به نظر لاغر و چروکیده شده است، سرفه می‌کند. زیر چشمش گود افتاده است. پدر او را برای استراحت روانه خانه می‌کند. اول زمستان همسر مستر غزنی به خانه راوی می‌آید و به لهجه هندی چیزهایی می‌گوید: راوی و پدرش به همراه راننده و خانم هندی به خانه‌اش می‌روند. وقتی پدر از خانه مستر غزنی خارج می‌شود، می‌گوید: «این هم از مردک هندی تا کی نوبت ما شود».

مدتی بعد پای پدر زخم می‌شود، دکتر می‌گوید: «زودتر پدر را بستری کنید». بعد از مدتی پدر را به خارج می‌برند. خانه سرد و خالی است تا اینکه تلگراف مادر، بازگشتشان را خبر می‌دهد. پای راست پدر را بریده‌اند و به جای آن پای مصنوعی گذاشته‌اند، اما پدر همچنان استوار و مستحکم برمی‌گردد. بعد از مدتی، بیماری دوباره هجوم می‌آورد، این بار به چشم - های پدر. چشم‌های او را عمل می‌کنند. چشم چپش بینایش را از دست می‌دهد. مرگ بار دیگر به قلب پدر یورش می‌برد. پدر آماده سفری متفاوت می‌شود، سفری با بلیط یک طرفه.

ارتباط و نقش رفتارهای غیرکلامی در ارتباطات متقابل

ارتباط عبارت است از «جریان»، «فراگرد» یا «فراگرد تراکنشی». جابه‌جایی پیام میان حداقل دو «منبع معنی»، مشروط به آنکه در منبع معنی ارتباط‌گیر، مشابهت معنی با معنی مورد نظر منبع معنی ارتباط‌گر ایجاد شود» (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۱۲).

۲. فراگرد^۱

در بیشتر موارد، ارتباط حالت «کنش متقابل» دارد، نه حالت کنش. در این موارد ارتباط یک فراگرد دوطرفه است نه یک طرفه. دام این فراگرد دوطرفه را به مثابه کنش متقابل نگاه می‌کند و می‌گوید: در چنین نگاهی کنشی به عنوان ارتباطات محسوب می‌شود که در آن تبادل اطلاعات بین دو نفر - یا بیشتر - اتفاق افتد. اصولاً فراگرد چیزی ایستا نیست، بلکه پویاست. اجزای داخل یک فراگرد دارای کنش‌های متقابل اند و هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد و از دیگری تأثیر می‌گیرد» (همان: ۳۲).

فراگرد پویاست و به طور مداوم در حال تغییر است. اجزای یک فراگرد دارای کنش‌های متقابل اند و هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد و از دیگری تأثیر می‌پذیرد. یک رفتار ما در دو زمان متفاوت، معانی مختلفی را می‌رساند و همچنین یک فرد در زمان‌های مختلف و تحت شرایط متفاوت، یک برداشت را از رفتارهای مشابه ما ندارد؛ زیرا رفتار اکنون ما از تجربیات ارتباطی گذشته‌مان تأثیر گرفته و تجربیات فعلی ما رفتارها و برداشت‌های آینده ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. وجود مؤلفه‌هایی مثل محیط، توانایی‌ها، دیدگاه‌ها، تجربیات، احساسات و جایگاه بر روی فراگرد ارتباط اثر دارد. علاوه بر این هر فراگردی برگشت‌ناپذیر است و ما هرگز نمی‌توانیم اثر کاری را که قبلاً انجام داده‌ایم، به طور کامل از بین ببریم. هر ارتباطی که برقرار شده یک ارتباط برقرار شده باقی می‌ماند.

۳. فراگرد تراکنشی^۲

در الگوی تراکنشی ارتباط نمی‌توان ارتباط را یک امر منفرد دانست، بلکه باید آن را دارای حالتی وابستگی دانست. به این مفهوم که ارتباط چیزی نیست که ما برای دیگران انجامش می‌دهیم، بلکه چیزی است که ما به‌طور مشترک با آنها انجامش می‌دهیم. در نتیجه موفقیت هر یک از دو طرف، وابسته به طرف دیگر هم هست. وقتی کنش متقابل بین دو نفر به چیزی بیش از تبادل پیام‌های لفظی منجر شود و آن دو به این درک مشترک برسند که یکدیگر را می‌فهمند، دوست دارند، می‌شناسند و به هم نیاز دارند یا با هم دادوستد می‌کنند، آنگاه ارتباط، ماهیت تراکنشی به خود می‌گیرد (همان: ۳۹).

در ارتباطات تراکنشی، تفکیک بین فرستنده و گیرنده پیام، یک قرارداد است. عمل فرستادن و دریافت پیام به طور همزمان انجام می‌شود. موارد ذکر شده به این معنی نیست که این دو عمل مستقل و مجزا از یکدیگر نیستند، بلکه فرستنده پیام را می‌فرستد و بلافاصله پیامی را دریافت می‌دارد و دوباره این عمل تکرار می‌شود تا نتیجه مطلوب که مبتنی بر اهداف ارتباطی است، حاصل شود و ارتباطی تعاملی و به صورت پیوسته به وجود آید.

حالت‌های چهره^۳

با توجه به اینکه چهره، اولین عضو شخص است که در ارتباط دیداری دیده می‌شود، می‌تواند اولین اطلاعات را در زمینه حالات روحی و احساسات فرد

^۳ Facial expressions

^۱ Process

^۲ Transactional

مستقیم و ژرف‌تری با دیگران برقرار می‌کند، چشم است. بنابراین، می‌توان گفت: چشم صادق‌ترین عضو است. ترقی بعد از توصیف معلم انگلیسی با عناوینی همچون یک گدای هندی، دیو، تازه‌وارد بد قیافه، مرد چرک و چرب و سیه‌چرده، ناگهان با جمله‌ای، چهره‌ای متفاوت از او می‌سازد و بعد درونی شخصیت او را آشکار می‌سازد. «چشم‌های قرمزش، مثل چشم بچه‌های شیطان، برق می‌زند و زشتی آزاردهنده صورتش، برای آنی ناپدید می‌شود. انگار نقابی مقوایی برای ترساندن ما به‌صورت زده است و پشت آن، چهره‌ای ساده و دوست‌داشتنی مخفی است» (ترقی، ۱۳۸۱: ۱۷۸)

مستر غزنی در تقابل خنده بچه‌ها به آنها نگاه می‌کند و آنها از این فراگرد ارتباطی برداشت می‌کنند که می‌تواند رابطه دوستی با او برقرار کنند. نگاه می‌تواند مفاهیم مختلفی را القا کند؛ همان‌طور که شخصیت داستانی گلی ترقی از نگاه دیگران، احساسات آنها را نسبت به خود درمی‌یابد. «زشتی خودش را در نگاه متحیر ما می‌بیند» (همان: ۱۷۷).

نگاه بچه‌ها، یک جریان ارتباطی است؛ زیرا قصد برقراری ارتباط یا دادن اطلاعاتی به مستر غزنی را ندارند.

۱-۱. نگاه خیره متقابل

نگاه خیره متقابل می‌تواند از نوع نگاه عاشقانه یا از روی دشمنی باشد یا گاهی به دلایل دیگر. «برای یک آن، نگاهش روی صورت من خیره می‌ماند. چشم‌هایش باز می‌شود، دهانش هم باز می‌شود و

انتقال دهد. برای پی بردن به صحت یا تناقض پیام‌های کلامی افراد، می‌توان به چهره افراد توجه کرد. «حالات روحی مثل غم و شادی و غیره به‌وسیله حرکات عضلات که به‌طور غریزی به فرمان مغز به جنبش درمی‌آیند، پوست چهره را به کش‌وقوس وامی‌دارند. چین‌خوردگی‌های چهره که محصول این کش‌وقوس - های مکرر هستند، راهنمای خوبی برای شناخت روحیات اشخاص می‌باشند» (کریمی، ۱۳۶۸: ۳۵).

راوی بیمار شدن معلم انگلیسی را با بیان رنگ چهره و ترسیم چشم و گونه‌ها و دهانش نشان می‌دهد، بدون اینکه چیزی از زبانش بگوید، این‌گونه نشان می‌دهد: «زیر چشم‌هایش آن‌چنان سیاه است که می‌ترسیم. گونه‌هایش فرورفته و دهانش گشادتر شده است» (ترقی، ۱۳۸۱: ۱۸۴) و بعد برای نشان دادن شدت بیماری او، چنین می‌گوید: «عرق از سر و رویش جاری است» (همان: ۱۸۵). او همسر معلم انگلیسی را که زنی هندی، رنج‌برده و سختی‌کشیده است و از بیماری همسرش سخت ناراحت است، این‌گونه توصیف می‌کند. «زنی چروکیده و سیاه‌سوخته» (همان‌جا). صورت ظاهری چهره مستر غزنی و همسرش از نوع جریان ارتباطی هستند. هرچند برای ایجاد ارتباط نیست و خودشان در بروز این حالات تعمدی ندارند، اما اطلاعاتی در مورد سرگذشت و حالات روحی آنها می‌دهد.

۱. چشم

برق نگاه، عمیق‌ترین تمنیات درونی را عیان می‌سازد (کریمی، ۱۳۶۸: ۱۷). از جمله اعضای که ارتباط

همان‌طور که ترقی بیان می‌کند، مادر همراه با فخر به میهمان‌ها نگاه می‌کند. نگاه مادر یک فراگرد ارتباطی است؛ هر چند در ظاهر جریان به نظر می‌رسد.

پدر به خرابه‌ها و جای خالی خانه بزرگی که با عشق و علاقه ساخته است، نگاهی بی‌تفاوت دارد. «(پدر) به جای خالی شمیران، بدون حسرت و یا اعتراض، می‌نگرد» (همان: ۱۸۸).

«ملتسمانه به پدر و به در خروجی نگاه می‌کند» (همان: ۱۷۷). معلم انگلیسی وقتی برای اولین بار وارد خانواده می‌شود، با نگاه متحیر خانواده روبه‌رو می‌شود. ترقی ترس و احساس خجالت او را با نگاه به در خروجی بیان می‌کند، این یک ارتباط جریان است.

۴-۱. پرهیز از نگاه

پرهیز از نگاه می‌تواند به دلایل مختلفی صورت گیرد، مثلاً علاقه نداشتن به صحبت کردن با طرف مقابل. گاهی پرهیز از نگاه نوعی بی‌توجهی مؤدبانه است. پرهیز از نگاه همچنین ممکن است، به خاطر خجالت و احساس غربت در میان جمعی باشد. «سرش زیر است و چشم از زمین بر نمی‌دارد» (همان‌جا) و این، یک ارتباط جریان است.

۲. گریه

گریه رفتاری است غریزی-عاطفی. در داستان پدر گریه، گاهی اضطراب و نگرانی شخصیت را می‌رساند و گاهی غم و ناراحتی او را. فقط من هستم که «گریه می‌کنم، گریه‌های جویده و پنهانی» (همان: ۱۸۶). راوی با دیدن شدت بیماری معلم انگلیسی، نگرانش می‌شود. «(پدر) می‌گوید: «این هم از مردک هندی تا کی نوبت ما شود» و گریه‌اش می‌گیرد». در این دو

صورتش می‌شکفتد، مرا می‌شناسد» (همان: ۲۰۱). نگاه خیره در اینجا یک فراگرد تراکنشی است. دو نفر با دیدن یکدیگر به هم خیره می‌شوند. هر دو نفر، فرستنده و گیرنده هستند و پیام‌های متوالی ردوبدل می‌شود. نگاهی که به یاد آوردن هزاران تصویر و خاطره را در پی دارد.

«از امروزش چیزی نمی‌گوید. از او که سؤال می‌کنیم، خیره نگاهمان می‌کند و ماتش می‌برد» (همان: ۱۸۴). این شخصیت داستانی سعی می‌کند که در گذشته زندگی کند و وقتی از زندگی امروزش صحبت می‌شود، به فکر فرو می‌رود و ماتش می‌برد. این یک ارتباط فراگرد است؛ زیرا او با این سؤال به یاد خود واقعی و زندگیش می‌افتد.

۲-۱. نگاه خیره

نگاه خیره می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. «نگاهم دوخته به تاریکی بیرون است» (همان: ۱۸۶). این نگاه خیره یک جریان است و راوی قصد برقراری ارتباط با کسی را ندارد. «همه ما، گیج و مبهوت، به این تازه‌وارد بدقیافه نگاه می‌کنیم» (همان: ۱۷۷). این نگاه، تعجب و بهت شخصیت‌های داستان را از وضع تازه‌وارد نشان می‌دهد و یک جریان ارتباطی است.

۳-۱. نگاه یک‌سویه

نگاه یک‌سویه نگاهی کوتاه و گذراست و به منظور تعامل صورت نمی‌گیرد و بنابراین، یک جریان ارتباطی است. مگر اینکه شخص تظاهر به یک‌سویه بودن کند که در این صورت فراگرد است. «مادر با غرور و لبخند به شوکت اعظم خانم و ... نگاه می‌کند» (همان: ۱۷۹).

(همان: ۱۹۳). خندیدن در این ارتباطات غیرکلامی فراگرد است، چه بیانگر خوشحالی و چه تظاهر به آن باشد. یکی از فواید آشنایی با ارتباطات غیرکلامی، تشخیص عدم هماهنگی رفتار و گفتار است. خنده‌های ماسیده روی لب همسایه‌ها، برخلاف تبریک آنها نشان می‌دهد که از بهبود پدر خوشحال نیستند.

تماس جسمی^۱

لمس کردن، از مهم‌ترین علائم غیرکلامی در اوایل زندگی است که دلبستگی میان نوزاد و مراقبین او را تضمین می‌کند. در اکثر فرهنگ‌ها، نقشه‌های لمسی وجود دارند که نشان می‌دهند چه کسی، کجا، چگونه و توسط چه کسی می‌تواند لمس شود (فرگاس، ۱۳۷۹: ۲۰۳).

۱. لمس کردن تهاجمی - تجاوزی

این ارتباط فیزیکی، همیشه باعث عصبانیت و ناراحتی ما می‌شود. در این داستان بچه‌ها در حال بازی، برای معلم انگلیسی که چشمش را بسته است، پشت پا می‌گیرند و این نوعی تماس تهاجمی است. «برادرم برایش پشت پا می‌گیرد» (ترقی، ۱۳۸۱: ۱۸۰). «برادرم به ما اشاره می‌کند که هلش بدهم؟» (همان: ۱۸۱). هل دادن ناگهانی و از پشت سر، نوعی تماس تهاجمی محسوب می‌شود؛ هر چند به قصد شوخی و بازی صورت گرفته است. ارتباط در این نوع تماس‌ها فراگرد است. «از کوره در می‌رود و گوش او را می‌پیچاند» (همان: ۱۹۶). پزشک به خاطر رعایت نکردن رژیم غذایی بیمارانش که بیماری قند

مورد گریه‌ها به خاطر بیماری و مرگ غم‌انگیز مستر غزنی است و چون به قصد برقراری ارتباط نیست، جریان است.

۳. خنده

خندیدن در فرهنگ‌ها و موقعیت‌های مختلف معانی متفاوتی دارد. اولین معنی که معمولاً از خنده دریافت می‌شود، رضایت و شادمانی است. «می‌گوییم: «نویسنده پولدار» ... می‌خندد، راضی است» (همان: ۱۹۴). پدر که به پیشرفت فرزندان خیلی اهمیت می‌دهد و دوست دارد، همیشه روی پای خود بایستند و به او وابسته نباشند، با جواب دخترش قانع می‌شود و عکس‌العمل دیگری نشان نمی‌دهد.

گاهی خنده برای امیدوار کردن کسی که ناراحت است، به کار می‌رود. «اشک‌های مرا می‌بند و می‌خندد». این گریه یک فراگرد است؛ زیرا لبخند پدر به قصد برقراری ارتباط و روحیه بخشیدن به دخترش (راوی) است (همان: ۱۹۰). در اینجا خنده پدر، روحیه قوی و مبارزه طلب او را نشان می‌دهد. «معلم انگلیسی، آراسته چون عروسی تمیز و خوشبو و خنده‌رو، سر میز صبحانه حاضر می‌شود» (همان: ۱۷۹). خنده‌رو بودن معلم انگلیسی که یک جریان ارتباطی است، نشان‌دهنده شخصیت مهربان او و احساس رضایت از شرایط جدید و پذیرفته شدن در میان خانواده راوی است.

خنده، گاهی ممکن است، تظاهر به خوشحالی باشد که معمولاً حس خوبی در شخص مقابل ایجاد نمی‌کند. «همسایه‌ها، با لبخندهای ماسیده روی لب برای عرض سلام و تبریک، به دیدن ما می‌آیند»

دوستانه و نامناسب به نظر برسند. ترقی در داستان پدر از موقعیت‌هایی می‌نویسد که تماس‌های فراوانی برای نجات مستر غزنی و بعد از آن صورت می‌گیرد. «همگی بدن سنگین مستر غزنی را گرفته‌اند و می‌کشند» (همان: ۱۸۲). «سر او را زیر بغل می‌گیرند» (همان: ۱۸۳). «فشارش می‌دهیم تا آبی را که فرو داده بالا بیاورد» (همان‌جا). «(مادر) می‌نشیند کنار مستر غزنی و چندین بار توی دهن او می‌دمد» (همان‌جا). این رفتارها که برای کمک به مستر غزنی صورت می‌گیرند، فراگرد هستند.

بوم‌پایی^۱

انتخاب و نحوه استفاده از مکان‌های مختلف برای زندگی و کار یا حتی برای امور جزئی‌تر مثل قرار ملاقات می‌تواند به عنوان رفتارهای غیر کلامی ما را با ذوق، سلیقه، تمکن مالی و خصوصیات دیگری از شخصیت هر فرد آشنا کند. «ما به عنوان یک فرهنگ، در مقابل چگونگی استفاده فرهنگ‌های دیگر از فضاهایشان، از فضاهایمان به گونه‌ای متفاوت استفاده می‌کنیم. به طور فردی، ما در استفاده‌مان از فضا بسته به سن، جنسیت، شخصیت و پیشینه متفاوت هستیم. نحوه استفاده ما از فضا، ادعای مالکیت بر آن، دفاع از آن، یا اجازه ورود دیگران به آن، به میزان زیادی از راه پیام‌های غیر کلامی ارسال شده، تعیین می‌شود» (ریچموند و مک کروس، بی‌تا: ۲۶۷).

معمولاً محیط اطراف هر چقدر خصوصی‌تر باشد، اختیار بیشتری برای تزیین و چیدمان آن داریم. بنابراین، محیط‌هایی مثل خانه و اتاق و یا دفتر کار می‌تواند اطلاعاتی در مورد شخصیت افراد و تمول

دارند، از شدت عصبانیت آنان را کتک می‌زند. این رفتار پزشک، فراگرد ارتباطی است.

۲. لمس کردن دوستانه - صمیمی

این نوع تماس معمولاً نشان‌دهنده دوست داشتن و روشی برای ابراز احساسات است. در داستان وقتی پدر چشم خود را از دست می‌دهد، با تماس بدنی با دختر خود ارتباط برقرار می‌کند و علاوه بر ابراز احساسات، حمایتش را به صورت عملی به او نشان می‌دهد. «بازویم را می‌گیرد. دستش را به شانهام می‌مالد. گونه و صورتم را نوازش می‌کند. ... با دستش حرف می‌زند» (همان: ۱۹۵). همچنین، مادر با فشردن دست دختر به او آرامش می‌دهد. «مادر دستم را فشار می‌دهد» (همان: ۱۹۱). پدر بعد از رفتن به دیدن مستر غزنی، دستش را به سر او می‌کشد. «خم می‌شود و به سر او دست می‌کشد» (همان: ۱۸۶). که این نوع تماس‌ها را هم می‌توان تماس دوستانه و صمیمی محسوب کرد. برقرارکننده تماس‌های دوستانه و صمیمی، علاوه بر ایجاد احساس آرامش و اطمینان برای فرد مقابل، خود نیز آرامش می‌یابد و این ارتباط تبدیل به یک کنش متقابل و دوطرفه شده است. بنابراین، این ارتباط یک فراگرد تراکنشی است.

۳. لمس حرفه‌ای - عملی

تماس‌هایی که در هنگام معاینه شدن توسط پزشک و یا در هنگام اصلاح موهایمان اتفاق می‌افتد، تماس حرفه‌ای هستند. این تماس‌ها اگر در موقعیت‌های دیگری صورت گیرند، ممکن است بیش از حد

^۱ Territoriality

آنها ارائه کند و محیط هر چه عمومی‌تر می‌شود، روابط رسمی‌تر و اجتماعی‌تر می‌شود. طبقه‌بندی قلمروها را آلتمن مطرح کرده است که بین قلمروهای «اولیه» (مانند خانه)، قلمروهای «ثانویه» (مانند دفتر کار مشترک) و قلمروهای «عمومی» (مانند بیمارستان، مدرسه و...) تمایز قائل شده است» (فرگاس، ۱۳۷۳: ۲۰۲).

۲. قلمرو ثانویه

قلمرو ثانویه به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که افراد بعد از خانه وقت قابل توجهی را در آن سپری می‌کنند. خانه شمیران هر چند منزل مسکونی است، ولی آشپزخانه آن محل کار حسن آقا و باغ آن محل کار مرتضی باغبان است. «بعد از آمدن مستر غزنی، اتاقی را برای او آماده می‌کنند. انباری نیمه‌خالی است. تروتمیزش می‌کنند، فرش کهنه کف آن می‌اندازند. تخت و میز و چراغ تویش می‌گذارند و آن را به معلم انگلیسی می‌دهند» (همان: ۱۷۸). آشنایی با محل کار مستر غزنی مرتضی باغبان اطلاعاتی در مورد شغل این شخصیت‌های داستان به ما می‌دهد و یک ارتباط جریان است.

۳. قلمرو عمومی

مکان‌های عمومی که تابع مالکیت موقت است و ورود برای آن برای همگان آزاد است. معمولاً در این مکان‌ها رقابت‌هایی برای مالکیت اتفاق می‌افتد. تنها مکان عمومی که در این داستان از آن نام برده شده، بیمارستان است.

۱. قلمرو اولیه

قلمرو اولیه، خانه و محل زندگی است. خانه‌ای که راوی در آن زندگی می‌کند، با جملات متعددی توصیف شده است. «اتاق، ... اتاق، ردیف دنبال هم مثل قطار. سالن پذیرایی طبقه بالاست. مال روزهای عید و مناسبت‌های خاص و مهمان‌های محترم است. ... اثاثش زیر ملافه‌ها پنهان است. آشپزخانه حسن آقا قلب خانه است، رو به باغ ... باغ شمیران پر از حیوانات است ... تابستان‌ها توی زیرزمین زندگی می‌کنیم ... پای دیوار حوض کاشی است» (ترقی، ۱۳۸۱: ۱۷۴). «خانه شمیران محور زندگی یک قبیله است» (همان: ۱۷۵). این خانه بزرگ، باغ و معماری آن نشان‌دهنده تمول این خانواده است. همچنین، نشان می‌دهد، پدر این خانواده که نقشه این خانه را خودش کشیده است، مردی منظم و کاردان است. همچنین، این توصیفات بیان می‌کند که این خانواده پذیرای مهمان‌های خاص هستند و در این خانه مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود، اما توصیف خانه مستر غزنی اطلاعات دیگری به ما می‌دهد. «خانه‌اش آن سر دنیا است. پشت خرابه‌های بیرون شهر، ته حیاطی سنگی که پر از آشغال و پیت‌های قیر و لاستیک‌های کهنه ماشین بوده، ... نور چراغ

مصنوعات^۱

از لباسی که می‌پوشیم تا غذایی که می‌خوریم و نوشیدنی که می‌آشامیم و ... همه بیانگر ارتباط و معرف شخصیت و مقام اجتماعی ماست (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۳۱۰).

۱. لباس

مطالعات کی‌بینز نشان می‌دهد که افراد بر پایه لباس‌هایی که می‌پوشند، درباره یکدیگر داوری می‌کنند (مایرز، ۱۳۸۳: ۳۰۴).

راوی در این داستان توقع دارد، پدر که یک پایش برای درمان در انگلیس قطع شده لنگان و به کمک دیگران وارد شود، ولی چشمش به مردی می‌افتد که استوار و محکم از دور می‌آید او برای توصیف پدر، از مصنوعات کمک می‌گیرد. «عصایی چوبی به دست و کلاهی انگلیسی به سر دارد. ... با عصایش به پای حسن آقا می‌زند» (ترقی، ۱۳۸۱: ۱۹۳).

معلم انگلیسی چون سر و وضع مناسبی ندارد، پیش کسی حتی آشپز خانواده، ارج و قرب ندارد، اما با پوشیدن لباس‌های نو اوضاع برمی‌گردد. «پدر دستور می‌دهد، برایش پیراهن سفید و شلوار نو بخرند و دو جفت از کفش‌های خودش را به او می‌بخشد. ... و معلم انگلیسی، آراسته چون عروسی تمیز و خوشبو و خنده‌رو، سر میز صبحانه حاضر می‌شود» (همان: ۱۷۹).

لباس پوشیدن اگر صرفاً برای راحتی یا با سلیقه شخصی پوشیده شود، یک جریان است، اما پوشیدن

لباس‌های رسمی، شیک و ... که در مکان و زمان خاصی پوشیده می‌شود و برای تأثیرگذاری بر روی مخاطب است ارتباط فراگرد است.

۲. خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها

«آب می‌خواهد، آب یخ» (همان: ۱۸۹). این جملات عطش پدر را به خاطر پیشرفت بیماری نشان می‌دهد. «مجبورند دستورات غذایی او را رعایت کنند» (همان: ۱۹۴). «خوردن چیزهای شیرین، یا آنچه تولید قند می‌کند، برایشان قدغن است» (همان: ۱۹۶). توصیف حال کسانی است که بیماری قند دارند و مجبورند رژیم غذایی خاصی را رعایت کنند. «(دکتر) می‌بیند که غذای پدر را از خانه آورده‌اند و فریادش بلند می‌شود» (همان‌جا). پدر با وجود اینکه باسواد و باهوش است، به خاطر اینکه در تمام عمر از کسی حرف‌شنوی نداشته و به همه دستور می‌دهد، به حرف دکتر گوش نمی‌دهد.

تمام این رفتارها جریان هستند و به قصد برقراری ارتباط صورت نمی‌گیرند، ولی اطلاعاتی درباره بیماری و حتی شخصیت افراد به ما می‌دهند.

۳. سایر مصنوعات

معمولاً افراد به خاطر شغلشان از وسایل و اشیاء خاصی استفاده می‌کنند. «مرتضی باغبان ته باغ است هیاهوی ما را می‌شنود و با شن‌کش می‌رسد» (همان: ۱۸۲). «(حسن آقا) زنبیل بزرگش را زیر بغل می‌زند و شتابان راهی بازار می‌شود» (همان: ۱۹۶). استفاده از مصنوعات در اینجا ارتباط جریان است.

۱. manufactures

نشانه‌های پیرا زبانی^۱

در حیطه ارتباطات غیرکلامی، مقصود زمان‌بندی، زیروبمی آهنگ، بلندی و سرعت گفتار است که اگرچه کلامی نیستند، پیوند جدایی‌ناپذیری با محتوای گفتار دارند. دیگر نشانه‌های صوتی یا آواگری‌ها نیز وجود دارند که به تنهایی می‌توانند ابلاغ‌کننده پیام باشند. مانند گریه، خمیازه، سوت زدن یا بازدم با صدای بلند در بین این نشانه‌های پیرازبانی، شواهد پژوهشی بر تغییر در زیروبمی و سرعت صدا تأکید دارند که نشان‌دهنده هیجانات مثبت یا منفی و ناخوشایندند. صدا در ابلاغ برانگیختگی و اضطراب، علامتی مؤثر است. از نشانه‌های صوتی می‌توان برای پی بردن به دروغ استفاده کرد.

۱. ضرب آهنگ

«ضرب آهنگ یا وزن، میزان تندی و کندگی کلام است. ضرب آهنگ، سرعت لحن است. ضرب آهنگ کلام - کلام نویسنده و کلام شخصیت‌ها - مقوله‌ای نیست که از ذوق و تفنن سرچشمه بگیرد و کمابیش از فائده تبعیت می‌کند. ضرب آهنگ کلام باید با خود داستان و شخصیت‌های آن و موقعیت آنها کاملاً هماهنگ باشد. مثلاً در شرایط هیجانی و بغرنج ضرب آهنگ کلام تند و در نثر آرام عاطفی کند است» (بی‌نیاز، ۱۳۹۴: ۶۳).

«صدای عصبانی مادر، مثل سیخ داغ، توی گوشمان فرو می‌رود: چه خبرتان است؟ زده به سرتان؟» (ترقی، ۱۳۸۱: ۱۸۲).

«خانم، مستر مرد. خفه شد افتاده توی آب»

(همان‌جا).

بالا رفتن ضریب ضرب آهنگ کلام مادر، نشان‌دهنده عصبانیت او از سر و صداهاست و بالا رفتن ضریب سخنگویی سایر شخصیت‌ها نشان‌دهنده موقعیت حساسی است که در آن قرار گرفته‌اند و چون با تعمد صورت نگرفته، جریان هستند.

۲. میزان بلندی و شدت صدا

«جواب من جیغ بلندی ست که همه را بیدار می‌کند» (همان: ۱۸۲).

راوی داستان بعد از احساس خطر از دست و پا زدن مستر غزنی با جیغ بلندی همه را آگاه می‌کند. جیغ زدن راوی اگر فقط از روی ترس باشد و قصد اعلام خطر را نداشته باشد، جریان است، هرچند دیگران را از خطر آگاه کند.

«یواش، طوری که پدر نشنود، می‌گوید: خیلی گرسنه‌ام. بیایید بیرون» (همان: ۱۸۱). مستر غزنی که حق ندارد، در خانه فارسی حرف بزند، از ترس جریمه شدن آهسته صحبت می‌کند. این رفتار مستر غزنی فراگرد است. «آدم‌ها، مشکوک و مبهوت در گوش هم زمزمه می‌کنند» (همان: ۱۷۴). در اینجا زمزمه کردن به معنی پشت سر حرف زدن است و از آنجا که ارسال و دریافت پیام به طور همزمان انجام می‌شود و این ارتباط به صورت تعاملی و با کنش متقابل انجام می‌گیرد، یک فراگرد تراکنشی است.

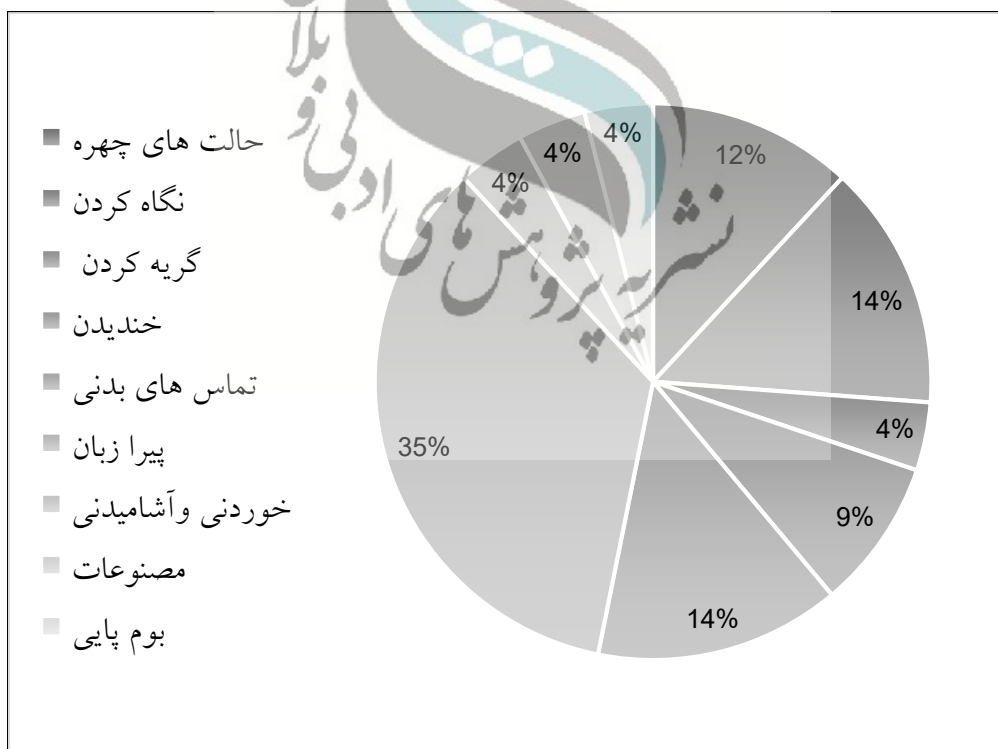
۳. سکوت

سکوت در فرهنگ‌ها و موقعیت‌های مختلف می‌تواند مفاهیمی همچون بی‌تفاوتی، ابراز قهر، تفکر، افسردگی، تأیید، احترام، ترس و شرم را در برداشته باشد.

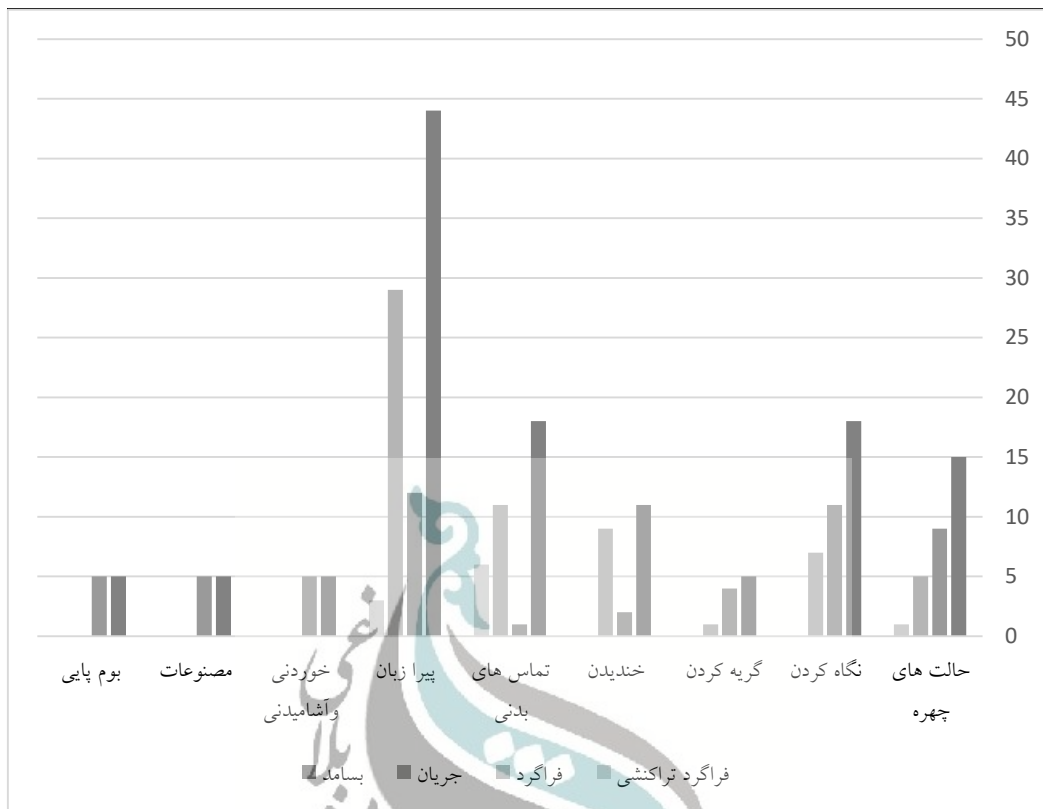
«توضیح می‌خواهد و کسی قادر به حرف زدن نیست» (همان: ۱۸۳).

مادر وقتی سر و صدا را می‌شنود و به حیاط می‌آید از حسن آقا و بچه‌ها توضیح می‌خواهد، اما آنها که فکر می‌کنند، مستر غزنی در استخر خفه شده است، قادر به حرف زدن نیستند. در این مورد

سکوت، فراگرد است. بچه‌ها در جواب مادر سکوت می‌کنند و این ترس از جواب دادن را نشان می‌دهند. «وقتی پدر به دیدن مستر غزنی می‌رود، از شدت بیماری صدایش در نمی‌آید» (همان: ۱۸۵) که علت این سکوت شدت بیماری است. سکوت مستر غزنی، جریان است. «هیچ کس حرف نمی‌زند، فقط من هستم که گریه می‌کنم، گریه‌های جویده و پنهانی» (همان: ۱۸۶). همه از شدت ناراحتی سکوت کردند و لحظات آخر زندگی مستر غزنی را می‌نگرند. در اینجا هم سکوت جریان است، چون به خاطر ناراحتی از وضعیت مستر غزنی است.



نمودار ۱. کاربرد نشانه‌های ارتباطی غیرکلامی در داستان پدر



نوع فراگرد تراکنشی است، اما در تماس های حرفه ای و تهاجمی شاهد ارتباط فراگرد هستیم. در ارتباطات پیرا زبان هم بیشترین ارتباط از نوع فراگرد است و بقیه رفتارها جریان و تعداد کمتری فراگرد تراکنشی دیده می شود.

استفاده از مصنوعات هم جریان است و به قصد برقراری ارتباط صورت نمی گیرد، اما اطلاعاتی مثل شغل شخصیت های داستان را به خواننده ارائه می دهد. ارتباط جریان معمولاً بروزدهنده درونیات و غرایز است و با توجه به اینکه عمده صورت نمی گیرد، بیشتر نشان دهنده خصوصیتی از شخصیت داستانی می باشد که به مرور زمان شکل گرفته است و در حقیقت خصوصیات فردی شخص را نشان می دهد. ارتباط فراگرد بیشتر شامل رفتارهایی از شخصیت هاست که در موقعیت های خاص و در

بحث و نتیجه گیری

ترقی در داستان پدر، هر سه نوع ارتباط یعنی جریان، فراگرد و فراگرد تراکنشی را به کار می گیرد.

ارتباط های چهره در داستان پدر، شامل هر سه نوع ارتباط جریان، فراگرد و فراگرد تراکنشی است. حالت چهره و گریه ها ارتباط جریان است و خنده ها بیشتر ارتباط فراگرد است. در ارتباط های دیداری هم دو ارتباط جریان و فراگرد وجود دارد و فقط یک نگاه که بعد از مدت ها رخ می دهد، ارتباط فراگرد تراکنشی است. در این نگاه، خاطرات گذشته مرور می شود.

بیشترین ارتباط فراگرد تراکنشی در این داستان، در ارتباط هایی است که از طریق تماس بدنی صورت می گیرد. تماس های پدر و مادر با راوی از

شرایطی که در آن قرار گرفته‌اند، از خود نشان می‌دهند و نشان‌دهنده تعاملات و نوع رابطه بین افراد است. ارتباط فراگرد تراکنشی که در این داستان بین پدر و سایر شخصیت‌ها برقرار می‌شود، نشان‌دهنده خصوصیتی از اوست که همه آگاهانه و نا آگاهانه پذیرفته‌اند. همه تسلیم و سرسپرده اویند، وظایف خود را ناگفته می‌دانند و انجام می‌دهند. رفتار سایر شخصیت‌ها، نظم و اقتدار پدر را نشان می‌دهد. فراگرد تراکنشی در رفتارهای غیرکلامی علاوه بر این، احساسات و عواطف عمیق و دو طرفه را بهتر از هر کلامی نشان می‌دهد.

منابع

- برسیج، جوزف (۱۳۸۲). *راهنمای تصویری کامل زبان*. تهران: بعثت.
- تن. ترجمه باقر ثنائی. تهران: بعثت.
- بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۹۴). *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی*. چاپ ششم. تهران: افراز.
- پیس، آلن و باربارا (۱۳۸۶). *چگونه با زبان بدن حرف می‌زنیم*. ترجمه آذر محمودی و محسن جده دوستان. تهران: نشر اشاره.
- ریچموند، ویرجینیا پی و جیمز مک کروسی (۱۳۸۸). *رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی* (درسنامه ارتباطات غیرکلامی). ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله‌پور، زیر نظر غلامرضا آذری. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانژه.
- صلیبی، ژاسنت (۱۳۹۰). «تحلیلی بر سهم ارتباطات غیر کلامی در کنش متقابل اجتماعی». *جامعه-پژوهی فرهنگی*، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۰۱.
- فرگاس، جوزف. پی. (۱۳۷۲). *روان‌شناسی تعامل اجتماعی؛ رفتار میان فردی*. ترجمه مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی. تهران: انتشارات ابجد.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۴). *ارتباطات انسانی (مبانی)*. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- کریمی، رامین؛ صیدی، معصومه؛ حسن‌پور، ملیحه؛ خلیلی، مهدی (۱۳۹۱). *زبان بدن*. شلاک.
- کریمی، نصرت‌الله (۱۳۶۸). *برون و درون*. نویسنده با همکاری حسین اعرابی.
- گلی، ترقی (۱۳۸۱). *دو دنیا*. تهران: نیلوفر.
- مایرز، گیل و میشله مایزر (۱۳۸۳). *پویایی ارتباطات انسانی*. ترجمه حوا صابر آملی. تهران: دانشکده صدا و سیما.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۹۱). *ارتباط‌شناسی*. تهران: سروش.